

# کشمکش جناح‌ها و جبهه سوم در ایران

سیمای سیاسی ایران امروز در آئینه رسانه‌های رسمی چگونه تصویر می‌گردد؟ آیا آنگونه که مطبوعات قانونی و غیرقانونی قطب‌های مختلف اپوزیسیون رژیم ادعا می‌کنند جامعه آستان یک انقلاب قریب‌الوقوع است؟ ماهیت واقعی جنگی که امروز تمام پیکره فرسوده رژیم سرمایه‌داری اسلامی را فراگرفته است چیست؟ طرفین درگیر کیستند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ و بالاخره سمت و سوی جنبش کارگری و چشم‌انداز آن چیست؟

ایران صحنه تحولات سیاسی پرشتابی گشته است. بر حجم اخبار تجمعات اعتراضی از یکسو و سرکوب و ترورهای غیررسمی از سوی دیگر دم به دم افزوده می‌گردد. موضوعاتی نظیر «جامعه مدنی»، دوستی با دنیای مدرن غرب، آزادی زنان و جوانان در زندگی اجتماعی و خصوصی‌شان و . . . تبدیل به داغ‌ترین مسائل روز گشته است.

تیراژ انواع مجلات و روزنامه‌هایی که به ابتکار وزراء و مسئولین رده اول رژیم اسلامی نشر می‌یابند سیر صعودی دارد. به همین سان، ابعاد کشاکش دسته‌های هوادار جناح‌های حاکمیت نیز در حال افزایش است. جدال جناح‌ها حتی نهادهایی چون وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را نیز دربرگرفته است. این مفهومی جز اختلال در کارکرد هیولای سرکوب حکومت اسلامی توسط یک جناح به منظور تصرف این نهادها ندارد. آرایش سیاسی سابق اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز دستخوش تغییرات چشمگیری شده و تفاوت در خط و مشی احزاب قانونی و غیرقانونی کمرنگ‌تر گشته است.

## دو جبهه در بالا

دو جبهه سیاسی در هیئت احزاب و جریان‌های متنوع حول دو پلاتفرم مختلف در جدال قدرت در درون طبقه حاکم هستند. پلاتفرم «مشروعیت الهی» ولایت فقیه و پلاتفرم جامعه مدنی و اصلاحات سیاسی.

نیروهای متعلق به جبهه مدنی و دموکراسی، برخلاف **جبهه ولایت فقیه**، محدود به نهادهای حکومتی نمی‌شوند. چرخش جناح خط امام سابق به هنگام عروج مجدد بر اریکه قدرت، بخش وسیعی از نیروها و احزاب اپوزیسیون را از نظر سیاسی خلع سلاح کرده است. طرفداران خدامالکیتی (اقتصاد دولتی) و پان‌اسلامیسم (صدور انقلاب اسلامی) ضرورت‌های دنیای پس از شکست سرمایه‌داری دولتی (بلوک شرق) را دریافته‌اند. شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی رفسنجانی و بن‌بست کامل سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی راه را برای یک پروسترویکای اسلامی مطلوب سرمایه‌داری جهانی در ایران گشود. سیاست «گفتگوی تمدن‌ها» جانشین پان‌اسلامیسم و توسعه سیاسی جانشین اعمال کنترل دولتی بر اقتصاد گشت. **جلوکاران جبهه دوم خرداد**، نیروهای خط امام سابق، که در مقطع جنگ، قدرت را در دست داشتند، توانستند با استفاده از یک فرصت انتخاباتی و با حمایت قدرت‌های جهانی سرمایه، سخنگوی جدید خود را به سکوی ریاست‌جمهوری بنشانند. خاتمی وزیر ارشاد سابق رژیم، نهادی که در پیوند تنگاتنگی با وزارت اطلاعات وظیفه سانسور و شعله‌ور نگه‌داشتن آتش جنگ را به عهده داشت، با وقوف بر بن‌بست سیاسی و اقتصادی

کامل رژیم، پرچم اصلاحات سیاسی و بازسازی نظام را به دست گرفته است. این جناح هم اکنون حمایت قاطع و چشمگیر طبقه نوپدید سرمایه‌دار ایران و قدرت‌های جهانی غرب را با خود دارد. آن دسته از بسیجیان و پاسدارانی که امروز صاحبان یا مدیران کارخانجات و صنایع شده‌اند و بدنه اصلی بورژوازی بوروکرات را تشکیل می‌دهند، گروه‌هایی از سرمایه‌داران صنعتی که از کاهش سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ناراضی هستند و این امر را خطری برای نظام تلقی می‌کنند و بالاخره تمامی نیروها و احزابی که مدافع کنارنهادن شیوه اعمال حاکمیت ولایت فقیه هستند، در جبهه دوم خرداد نقش برجسته‌ای ایفاء می‌کنند. همه اینان به درستی نیز دریافته‌اند که اعمال حاکمیت رژیم اسلامی به شیوه کنونی دیگر ممکن نیست و تداوم وضع فعلی به سقوط حاکمیت منجر خواهد شد. هدف این است تا کارنامه بیست سال جنایت، سرکوب و استثمار وحشیانه را با تجددخواهی آذین کنند.

جبهه دوم خرداد اما گستره وسیعتری از رئیس‌جمهور و نهادهای حکومتی هوادار او را دربرمی‌گیرد. **ملی‌گرایان مذهبی** مدافع تبیین لیبرالی از اسلام، **چپ‌های پروروسی** سابق که مشغول کسب مقبولیت در نزد احزاب امپریالیستی سوسیال‌دمکرات هستند و با شکست مدل سرمایه‌داری دولتی که خط امام را در چرخش به سوی مدنیت و دفاع از ارزش‌های دنیای مدرن غرب رهنمون ساخت، تنها نگذاشته‌اند و دست آخر آن دسته از **نیروهای اپوزیسیون که علی‌رغم پافشاری خود بر لزوم حرکت قهرآمیز برای دستیابی به دموکراسی و جامعه مدنی مخالف هرج و مرج و آشوب در ایران هستند**، هر یک مکانی را در طیف وسیع جبهه دوم خرداد اشغال کرده‌اند.

بدین‌سان می‌توان بر سه مشخصه مشترک این طیف از نیروها تاکید نمود:

**اول-** کلیه نیروهای جبهه دوم خرداد، انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران را یک پیروزی بزرگ برای مردم خواندند و به جشن و پایکوبی این پیروزی نشستند.

**دوم-** مخالفت کلیه نیروها با کوبش جنبش پرولتری و توده‌ای بر قلب نظام و هرج و مرج در نظم سرمایه‌داری، و دفاع از پلاتفرم جامعه مدنی و دموکراسی (صرفنظر از اختلافات تاکتیکی‌شان در انتخاب راه قهرآمیز یا مسالمت‌آمیز برای دستیابی به این هدف).

**سوم-** تصویری است که این نیروها از سیمای سیاسی ایران امروز ترسیم می‌نمایند. پیام همه آنان واحد و یگانه است. در نزد اینان دوم خرداد چاشنی انقلاب را به حرکت درآورده است. **پیشروی یک جناح در مقابل جناح دیگر را پیروزی و پیشروی کارگران و مردم در مقابل آخوندها قلمداد می‌کنند** تا بدینسان کارگران و مردم را به سیاهی لشکر این جناح تبدیل نمایند. آنگاه از مردم و کارگران می‌خواهند تا به خیابان‌ها بریزند، به «دانشجویان مبارز» و نیروهای مدافع «آزادی» بپیوندند. اینان نیک می‌دانند که تقویت جنبش سیاسی تحت رهبری جناح‌های حکومتی در غایت خود، به تحولات دولتی ره خواهد سپرد. نکته اساسی این است که شکاف در بالا و تشدید جدال‌های حکومتی با رشد و اعتلای انقلابی جنبش کارگری و توده‌ای همزمان نبوده است. بالعکس این شکاف حاصل یک ائتلاف جدید میان جناح‌ها (کارگزاران سازندگی و روحانیون مبارز و . . .) و بالاخره تحمیل یک عقب‌نشینی به جنبش کارگری از طریق انتخابات ریاست‌جمهوری بوده است. علل و چگونگی ائتلاف مزبور تنها و تنها در بستر تشدید بحران اقتصادی و اوضاع بین‌المللی (نقش دول اتحادیه

اروپا و آمریکا پس از فروپاشی بلوک شرق) قابل بررسی است. تجمعات اعتراضی گروه‌های مخالف یکدیگر در اطراف اماکن دولتی و مراسم‌های مذهبی، تظاهرات‌های دانشجویی به رهبری دفتر تحکیم وحدت (جریانی که ابتکار عمل اشغال سفارت آمریکا را در مقطع تسلط این جناح در حاکمیت در دست داشت)، حملات گروه‌های سرکوب و ترور به دفاتر مطبوعات قانونی و ترور عناصر لیبرال و چپ‌گرا، موج عریضه‌نویسی‌ها و حمایت‌های رسمی و غیررسمی صنف هنرمند و روشنفکر از خاتمی و همه و همه تجلی سیاسی جدال جناح‌ها در سطح جامعه می‌باشد.

## جنبش کارگری، جبهه سوم

سیمای واقعی رخدادهای سیاسی ایران اما محدود به جنگ درونی فراکسیون‌های بورژوازی و نهادهای دولتی با یکدیگر نیست. چنین تصویری دروغی است که به وسیله رسانه‌های جمعی ایران و جهان، به وسیله دول و احزاب راست و چپ سرمایه عرضه می‌شود. جنبش کارگری اگر چه با پیروزی انتخاباتی خاتمی دچار افت موقت گشت اما پس از دوره‌ای یک ساله مجدداً رو به اوج نهاد. بطوری که امروز به صورت جبهه سومی است که خطوط آن در حال گسترش است. جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد بر این امر به خوبی آگاه است که پیشروی و پیروزی‌شان منوط به مهار جبهه سوم و بهره‌جویی از آن به مثابه اهرمی در جدال با رقبا است. اما بحران سرمایه‌داری و ورشکستگی اقتصادی ایران چشم‌انداز استفاده از چنین نیرویی را تیره می‌سازد.

اعتصابات کارگری در کارخانجات و صنایع مختلف رو به گسترش است و این به معنی پیشروی خطوط جبهه اصلی نبرد است. جبهه‌ای که پایگاه‌های آن در اطراف مساجد، دانشگاه‌ها و مراکز مطبوعات بورژوا قرار ندارد. خطوط این جبهه عبارت است از کارخانجات و صنایع، شهرک‌های صنعتی و محله‌های فقیرنشین. خطر اصلی این است که موج مبارزات و اعتصابات کارگری در غیاب سازمان و تشکل پرولتری در دامچاله تاکتیک‌های ضدانقلابی جبهه دوم خرداد فرو رود. پلاتفرم کارگری جبهه مدنیت و دمکراسی آن سپری است که می‌تواند در اوضاع امروز پیشروی جبهه سوم را مسدود نماید.

ایجاد تشکل‌های صنفی، سوق دادن جنبش‌های اعتراضی به مجرای حرکت‌های قانونی برای دستیابی به خواسته‌هایی محدود، ایجاد توهم امکان رفرم واقعی و بهبودی اساسی در شرایط زیست و کار کارگران در جامعه مدنی مورد نظر جناح‌های سرمایه و همه و همه طی همین حرکت‌های یک ساله اخیر کارایی و تاثیر مخرب خود را بر مبارزات کارگری نشان داده‌اند.

مبارزات کارگری در صنایع و محلات بر اثر بمباران تبلیغاتی بی‌وقفه رسانه‌های سیستم سیاسی سرمایه‌داری و فعالیت ارگان‌های رنگارنگ آن قادر به جهتگیری کامل علیه دو جناح حکومتی و جدال‌های آنان نگشته است.

خانه کارگر و محافل چپ پروروسی همکار آن بی‌وقفه کوشیده‌اند تا از طریق شعارهایی نظیر تشکل مستقل کارگری (انجمن‌های صنفی و نهایتاً اتحادیه) اجرای کامل قانون کار، مبارزه علیه خصوصی‌سازی‌ها، طرح طبقه‌بندی مشاغل و

همسویی با خواسته‌های صنفی کارگران (مانند پرداخت حقوق عقب‌افتاده . . .) اعتصابات و تجمعات کارگران را به بیراهه کشانند.

دیگر احزاب و نیروهای اپوزیسیون حتی بخش غیرقانونی آن نیز به حکم اهداف برنامه‌ای خود همچون آخرین خطوط دفاعی جبهه دوم خرداد در حال خاک‌پاشی بر چشم کارگران و توده‌ها هستند.

شواهد و قرائن موجود حکایت از آن دارند که سیر وقایع و رخدادها در جهت کنونی‌اش - صرف‌نظر از اشکال قهرآمیز یا مسالمت‌آمیزی که به خود بگیرد - به سود تغییر و تحولات دولتی از بالا در جریان است. طبقه کارگر به مثابه تنها نیروی انقلاب‌کننده عصر حاضر در غیاب سازمان جهانی خود آماج تبلیغات مسموم و حملات زهرآگین قطب‌های مختلف سیستم سیاسی سرمایه‌داری است.

درس‌گیری کارگران از شکست دوم خرداد، خودسازماندهی تشکل‌های کارخانه و محله برای اعتصاب سراسری و تدارک برای درهم‌شکستن دستگاه دولتی در شرایط کنونی اگر چه امری است دشوار و فاقد فاکتورهای تعیین‌کننده در سطح ملی و جهانی، اما هیچ راهی جز پیکار در این راستا وجود ندارد.

## کارگران!

بگذارید تا ماشین سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی در جنگ قدرت گردانندگان آن تضعیف گردد. این جنگ، جنگ ما نیست. آنها را در این جنگ تنها بگذارید. اجازه ندهید تا سرکوبگران از طبقه ما به عنوان سیاهی لشکر در جنگ قدرت بهره‌جویی کنند. طعم تلخ شعار «همه با هم» و مرگ بر «دیکتاتور» زنده‌باد «دمکراسی» را یکبار در بهمن ماه ۵۷ تجربه کرده‌ایم. کلیه جناح‌ها، گروه‌ها و احزاب رنگارنگی که امروز در نقش گردان‌های قانونی و غیرقانونی این جنگ بی‌شکوه ظاهر گشته‌اند اندام‌های پراکنده یک کالبد هستند که در مقابل مبارزه طبقه ما به صورت تن‌واحد عمل خواهند کرد.

بگذارید تا صنف روشنفکر و هنرمند جامعه استبدادزده ما برای آزادی نشر و فروش کتاب از خاتمی‌ها و داریوش فروهرها اسطوره‌های رهایی بسازند. مکانی که صنف هنرمند و روشنفکر در صحنه سیاسی امروز احراز نموده تکرار جدایی و بیگانگی تاریخی این صنف از جنبش کارگری ایران است.

امروز نیز سرنوشت نهایی اوضاع پرتلاطم فعلی به میزان پیشروی یا عقب‌گرد مبارزه طبقه ما گره خورده است. برای آزادی واقعی، جنگ جناح‌های حکومت اسلامی را به جنگ طبقاتی علیه نظام سرمایه‌داری تبدیل کنیم. یا برجیدن بساط نظم بردگی مزدی و یا سقوط کل جامعه بشری به ورطه توحش و قهقرا. هیچ راه دیگری وجود ندارد.

دی ماه ۱۳۷۷